

تاریخ اسلام از صدر تا کنون، همواره با سبّ کیندگانی لوجج مواجه بوده که نه‌تنها طاقت شنیدن سخن حق را نداشتند بلکه در فرط درماندگی، لاجرم به توهین و ناسزاگویی روی آورد و بر چهره خورشید خاک می‌پاشیدند غافل از آنکه «کی شود خورشید از یف زب منظمس»!

چه بسا در همان سال‌های اولیه ظهور اسلام، کعب‌الاحبارهایی بهبودی‌الاصل در لباس جاعلین حدیث، به خدمت غاصبین اموی و عباسی (لعنه‌الله‌علیهم) درآمدند و باب بدعت ننگین هتاک علی‌نامه معصومین (علیهم‌السلام) را گشودند!

گرچه این رویه غیرانسانی در طول قرن‌های گذشته همواره در دستور کار دشمنان حق‌ستیز روزگار قرار داشته اما حقانیت و استواری شریعت آسمانی اسلام موجب آن شده تا مکاران از اعمال مکرشان، طرفی نیندند.

اما با گذشت ۱۴ قرن از انقلاب توحیدی نبی‌اکرم(ص) و پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران شرایط به کلی دگرگون شد. استکبار جهانی به سرکردگی امریکای جنایتکار و انگلیس خبیث که پس از جنگ جهانی دوم، خود را قدرت بلامنزاع جهان می‌پنداشت، اینبار با چالشی جدید روبه‌رو شد. چالشی که نه از جنس نازیسم هیتلری بود و نه از قماش سوسیالیسم بلشویک، بلکه این‌بار انقلابی از بطن اسلام بود که برای مستکبرین عالم خط و نشان می‌کشید.

استکبار جهانی هنگامی که دریافت با آژمودن گزینه‌های مستعمل‌لی جن: تلاش برای کودتای داخلی، تحریم اقتصادی، تمحیل تنظیم نظامی فرسایشی و … ضد جمهوری اسلامی نخواهد توانست کاری از پیش ببرد، تصمیم بر اجرای حربه‌های ناجوانمردانه و غیراخلاقی علیه مقدسات دینی و مذهبی مسلمان گرفت!

۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸ میلادی بود که خبر انتشار کتابی موهن، خشم بیش از یک میلیارد مسلمان در سرتاسر جهان را برانگیخت. انتشارات وایکینگ که تحت مدیریت «گیلسون ریتکن" صهیونیست‌آداره می‌شد، با سفارش رمان "SATANIC VERSES" به یک مسلمان‌زاده‌ی هندی‌الاصل به‌نام "احمد سلمان‌رشدی"، از آغاز پروژه‌های شوم را به صدا درآورد. این کتاب با دست‌نماییه قرار داد مجاری‌آوردیون «فسانه غرائبق»، زشت‌ترین اهانت‌ها و شنیع‌ترین هتاک‌ی‌ها را در قالب داستانی خیالی، متوجه آیین اسلام و پیامبر اعظم(ص) نموده و مسلمان را به سخره گرفته بود!

«آیات‌شیطانی» در حالی به قلم منحوس سلمان‌رشدی، به رشته تحریر درآمد که تنها چند ماه از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از‌سوی جمهوری اسلامی می‌گذشت. با وجود این درحالی که تصور می‌شد جمهوری اسلامی و رهبری آن پس از فراغت از جنگ طولانی ۸ساله، زین پس خود را درگیر چنین مناقشاتی ننموده و موضعی خصم‌تر را در این خصوص اتخاذ نمی‌نماید، به ناگاه حکم تاریخی حضرت امام(ره) تمامی معادلات و پیش‌بینی‌های کونه‌فکران غربی را دگرگون ساخت!

رهبر فقید انقلاب، با صدور حکمی در ۲۵ بهمن ۱۳۴۷ اعلام داشتند: «نا الله ونا اِلِی‌الله راجعون. به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب "آیات‌شیطانی" که علیه اسلام و پیامبر قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند، از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمان توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دست‌رسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.» این حکم غیرمنتظره، چنان موجی از همراهی با آن را در میان مسلمان برانگیخت که اندکی بعد، رشدی با چشمانی گریان و در اعتراضی دیرهنگام اظهار می‌دارد: «تعجب می‌کنم که چرا دیوانه نشده‌ام، من فکر می‌کنم که دیگر به آخر خط رسیده‌ام و بریده‌ام.

با گذشت ۳۵ سال از انقلاب اسلامی، همواره جریانیت متشکل از عناصر داخلی و خارج کشور و برخوردار از پشتوانه نسبتاً قوی رسانه‌ای و تشکیلاتی، تلاش می‌کند انقلاب و دانشگاه را رو در روی هم قرار داده و انقلاب اسلامی را ماهیتاً «دانشگاه‌ستیز» معرفی نماید. این جریان، با طرح ادعاهای تکراری و غیر مستند به حوادتی مانند کوروا دانشگاه سال ۷۸ و برجسته سازی دیدگاه‌های برخی افراد که سابقه حضور در تشکل‌های دانشجویی را داشته و اکنون به امریکا و سایر کشورهای بیگانه به اصطلاح پناهنده شده‌اند، کوشش می‌کند افکار عمومی را به این نتیجه برساند که انقلاب اسلامی اساساً نمی‌تواند با دانشگاه و دانشگاهیان تعامل سازنده داشته باشد و رویارویی و سرکوب، تنها راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با دانشگاه‌ها است.

اما واقعیت امر چیست؟ اگر بخواهیم فارغ از تکنیک‌های القائی و عملیات روانی دشمنان انقلاب و با نگاهی منصفانه و واقع‌گرایانه به موضوع بنگریم، چه نتایجی خواهیم گرفت؟ آیا حقیقتاً انقلاب اسلامی دانشگاه‌ستیز است و نباید تا به جزای اعمالش برسد».

افراد که سابقه حضور در تشکل‌های دانشجویی را داشته و اکنون به امریکا و سایر کشورهای بیگانه به اصطلاح پناهنده شده‌اند، کوشش می‌کند افکار عمومی را به این نتیجه برساند که انقلاب اسلامی اساساً نمی‌تواند با دانشگاه و دانشگاهیان تعامل سازنده داشته باشد و رویارویی و سرکوب، تنها راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با دانشگاه‌ها است.

اما واقعیت امر چیست؟ اگر بخواهیم فارغ از تکنیک‌های القائی و عملیات روانی دشمنان انقلاب و با نگاهی منصفانه و واقع‌گرایانه به موضوع بنگریم، چه نتایجی خواهیم گرفت؟ آیا حقیقتاً انقلاب اسلامی دانشگاه‌ستیز است و نباید تا به جزای اعمالش برسد».

سؤال این است: آیا نظامی که دانشگاه را برای خود یک تهدید بالقوه یا بالفعل می‌داند، در مدت حدود ۳۵ سال که البته بیش از ۸۰ سال به جنگ و برقراری ثبات و آرامش گذرانده، اقدام به ۱۱ برابری نمودن تعداد دانشگاه‌ها می‌نماید؟

در انقلاب اسلامی، تعداد دانشجویان کشور حدود ۱۷۶ هزار نفر بود که هم اکنون این مقدار به حدود چهار و نیم میلیون نفر رسیده است. این در حالی است که جمعیت ایران در سال ۵۶، حدوداً ۳۳ میلیون نفر بوده و هم اکنون جمعیتی تقریباً ۷۵ میلیون نفری داریم.

بنوعی عبارتند دیگر، در حالی که جمعیت ما رشدی حدود ۲/۳ برابری داشته، تعداد دانشجویان ما بیش از ۲۵ برابر رشد داشته است. واقعا باید از رسانه‌های بیگانه و گردانندگان آن‌ها سوال کرد که اولاً، چند کشور در جهان وجود دارد که چنین شیب رشدی را در تعداد دانشجویان داشته و چرا هیچ‌گاه این آمار را منتشر نمی‌کنند؟ ثانیاً، آیا نظام انقلابی که از ناحیه دانشجویان احساس خطر می‌کند، تعداد آن‌ها را در کمتر از ۳۵ سال، ۲۵ برابر می‌کند؟

واقعا ادعای تقابل و رویارویی نظام جمهوری اسلامی با دانشجو و دانشگاه، ادعای مضحک و بی‌اساسی است!

۳- به این جملات دقت کنید:

«منشأ همه سعادت‌ها و مادی و معنوی از دانشگاه‌است»، «دانشگاه مبدا همه تحولات است»، «از دانشگاه باید سرنوشت یک

بنماسبست سالگرد صدور فتوای تاریخی حضرت امام(ره) درباره هتاکین به اسلام

# از «سلمان‌رشدی» تا…!

سرویس دانشگاه

**\* «آیات‌شیطانی» در حالی به قلم منحوس سلمان‌رشدی، به رشته تحریر درآمد که تنها چند ماه از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی می‌گذشت. با وجود این درحالی که تصور می‌شد جمهوری اسلامی و رهبری آن پس از فراغت از جنگ طولانی ۸ساله، زین پس خود را درگیر چنین مناقشاتی ننموده و موضعی متساهل را در این خصوص اتخاذ نمی‌نماید، به ناگاه حکم تاریخی حضرت‌امام(ره) تمامی معادلات و پیش‌بینی‌های کونه‌فکران غربی را دگرگون ساخت!**

از بس دنیا برایم تنگ شده که به قفسه‌های سینهام فشار می‌دهم.» پس از حکم قاطع حضرت امام(ره)، اما شایعه‌هایی مبنی بر ابراز پشیمانی و توبه از سوی رشدی ملعون شنیده می‌شد. در همین راستا، بنیانگذار انقلاب تنها چهار روز پس از اعلان حکم ارتداد سلمان رشدی، یعنی در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۷، با صدور بیانیه‌ای، مجدداً تأکید داشتند: «این موضوع صددرصد تکذیب می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی همّت خود را به کار گیرد تا او را به دُرک واصل گرداند. اگر غیرمسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریع‌تر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جیره و با مزد عمل به او بپردازند.» خروج سفرای ۱۲ کشور اروپایی از ایران در اعتراض به فتوای مهدورالدمی سلمان رشدی، حکایت از برنامه‌ریزی پشت‌پرده و سازماندهی تشکیلاتی این قبیل کشورها داشت. با اندک تأملی می‌توان دریافت که این اقدام هماهنگ از سوی ۱۲ کشور، نه صرفاً برای حفظ جان بی‌ارزش ملعبعی‌ای چون سلمان رشدی، بلکه در جهت همچنان گرم نگاه داشتن و دین‌دار کردن تنور اسلام‌هراسی و بالاخص ایران‌هراسی محسوب می‌شد.

انتشار کتاب موهن سلمان رشدی را می‌توان به مثابه اولین حلقه از زنجیره پروژه «فتح سنگر به سنگر» در «تقدس‌زدایی از مقدسات مسلمان" دانست؛ چراکه حساسیت‌سنجی، تخمین غیرتمندی دینی و ایضا برآورد واکتش مسلمانان سراسر جهان در قبال چنین اهانت‌هایی، می‌توانست در حکم نقشه راهی ارزشمند برای هتاک‌های آتی علیه شریعت اسلام به‌شمار رود! با گذشت کمتر از ده سال از فتوای انقلابی رهبری راحل انقلاب و روی کار آمدن دولت اصلاحات، اما اوضاع به کلی دگرگون شد. مواضع کوبنده، محکم و قاطع جمهوری اسلامی در برهه حیات حضرت روح‌الله(ره)، جای خود را به تساهل، تسامح و وادادگی دوران دوم‌خرداد داد و مع‌الأسف شد آنچه نباید می‌شد!

علیرغم توصیه مؤکد امام خامنه‌ای(مدظله) در اهتمام بیش از پیش مسئولین اجرایی وقت به موضوعاتی اساسی چون «هتاتوی

### دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

بنماسبست سالگرد صدور فتوای تاریخی حضرت امام(ره) درباره هتاکین به اسلام

افیون توده‌هاست". سخنی که مارکس در باب دین گفته است هرچند که تمام حقیقت نیست اما بخشی از حقیقت را در خود دارد. دین در حکومت‌های دینی نه تنها افیون توده‌هاست، آنچنان که مارکس گفته است؛ بلکه من می‌افزایم علاوه بر آن، افیون حکومت‌ها هم هست»!

مدتی بعد آغاچری در ۲۹ خردادماه ۱۳۸۱ با حضور در خانه معلم همدان، در کمال وقاحت و بی‌حیایی، جملاتی گستاخانه علیه ارکان تشییع و روحانیت معزز بسر زبان آورد و گفت: «کجا قبل از صوفیه ما این سلسله مراتب را داشته‌ایم؟ نظام کلیسایی. از بالا شروع می‌شود، پاپ؛ اسقف‌ها؛ کاردینال‌ها؛ کشیش‌ها؛ کشیش محلی؛ کشیش فلان؛ بعد به تدریج در دوره ما تأثیر این فرهنگ و البته تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی و اقتدارگرایی در ایران، به سمت این سلسله مراتب طبقه‌ای با یک نظم سلسله مراتبی و یک نفر در رأس آن به نام آیت‌الله العظمی فی‌العالمین و السموات و الارضین و … تا آخر. این در رأس و بعد همین‌طور می‌آید پایین سلسله مراتب، آیت‌الله، حجت‌الاسلام، فقه‌الاسلام، چی‌چی‌الاسلام [آخنده مستند حضار(۱)] حالا در این چند سال اخیر که حوزه ما تبدیل به مسند دولتی هم شده، مسئله حساس شده، قبلاً این عناوین دولتی نبود.»!

پس از این اظهارنظرات بی‌شرمانه، کار به جایی می‌رسد که حتی سلمان‌رشدی ملعون نیز در حمایت از آغاچری لب به سخن گشوده و می‌گوید: «وقتی اکثریت میانه‌رویی مسلمانان در برابر این‌گونه افراد اقدامی نمی‌کنند، "رشدی" هایی پیدا می‌شوند که مأموریت را انجام می‌دهند.»!

سخنرانی هتاکانه آغاچری در خانه معلم همدان کافی بود تا وی مورد خشم مردم معتقد و مسلمان واقع شود. متقابلاً هوچکرهای تبلیغاتی دوم خرداد وارد فاز جدیدی شد.

سیل بیابانه‌ها و موضع‌گیری‌ها در حمایت از آغاچری سرازیر شد و محکومیت وی را غیر عادلانه، غیرانسانی و ناقض آزادی بیان تلقی می‌نمود!

از سیدمحمد خاتمی و مهدی کروبی گرفته تا آریل شارون و فردریک جونز (سخننگوی وقت وزارت خارجه آمریکا)، حملگی در حمایت از وی از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.کمپین‌های صوری و تجمعات دانشجویی خودساخته‌ای – که با سوءاستفاده از احساسات پاک دانشجویان، از میان ایشان یارکشی کرده بودند – در برخی دانشگاه‌های تهران به حمایت از هاشم آغاچری برپا گردید که نشان از تلاش همه جانبه دگراندیشان تجدیدنظرطلب جهت به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها به منظور حمایت از آغاچری داشت.

اما باید پرسید مگر چه تفاوتی میان سلمان رشدی و آغاچری وجود داشت؟ مگر حضرت امام(ره) حکم اعدام سلمان رشدی را به سبب نوشتن مطالبی «علیه اسلام، پیامبر و قرآن» صادر نمودند و مگر آغاچری، دین را افیون دولت‌ها و ملت‌ها نشمرد؟ اگر سلمان رشدی مطالبی اهانت‌آمیز علیه اسلام، پیامبر(ص) و قرآن نوشت، هاشم آغاچری به تمام دین و آموزه‌هایش اهانت روا داشت. سوالی که در این ارتباط خودندمی می‌کند این است که آیا حکمتی که امام(ره) درباره حکم سلمان رشدی ذکر فرمودند – بدین مضمون که: "تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات توهین کند" – درباره حکم آغاچری صادق نبود؟!

براستی می‌باید به این حقیقت تلخ متعرف بود که اگر اغصان‌های بی‌مورد و چشم‌پوششی‌های غیرقابل توجیه دوران اصلاحات رخ نمی‌داد، دیگر نه کاریکاتوربست دانمارکی «کورت وستگارد»، جرأت جسارت به ساحت نبی‌اسلام(ص) را در خود می‌دید و نه کشیش دیوانه‌های چون «تری جونز» دست به قرآن‌سوزی می‌زد و نه امثال «شاهین نجفی»، در آنچه شایسته خودش بود را به امام هادی(ع) نسبت نمی‌داد.

کوتاه سخن آنکه، شایسته است تا با شدت عمل به خرج دادن در قبال اهانت‌ها، ضد مقدسات شریعت اسلام و مذهب تشیع، مانع از هرچه جسورتر شدن هتاکان شویم و از این آیین آسمانی به‌دست نمانیم.

شده گوش می‌دهند و در رابطه با آن موارد، توضیحات و موارد لازم را بیان می‌نمایند.

باز باید این سؤال را از برخی جریانات مرتجعسی که داعیه روشنفکری دارند پرسید که کدام‌یک از ایشان و لیدرهای فکری شان ظرفیت ارتباط و تعامل ایچنینی با بدنه نخعیی و دانشگاهی کشور را دارد و یا اساساً اعتقادی به ارتباط از طیف‌های مختلف دانشجویان و اساتید و تعامل دو سویه با ایشان را دارند؟

۵- دانشگاه‌ها هم خدمات متقابل فراونی به انقلاب اسلامی داشته‌ و از خط امام (ره) هیچ‌گاه جدا نبوده‌‌اند. اولین حرکت دانشگاه‌ها در مواجهه با امواج خروشان انقلاب اسلامی، پیوستن به نهضت امام خمینی (ره) و حمایت از حرکت اسلام خواهانه و استقلال طلبانه ملت ایران بود. این همراهی و حمایت و دلدادگی نسبت به انقلاب اسلامی، به حدی است که اگر مساجد را یکی از ستون‌های نهضت حضرت امام (ره) قبل از انقلاب بدانیم، بی شک ستون دیگر آن دانشگاه‌ها است.

بحث در مورد کیفیت و چگونگی نقش آفرینی دانشجویان و اساتید و بازخوانی مصادیق تاریخی مجاهدت‌ها و پایمردی‌های دانشگاهیان در راه انقلاب اسلامی و آرمان‌های ملت ایران، آنقدر مفصل و طولانی است که در مورد آن تنها، به این جمله حضرت امام(ره) بسنده می‌کنم که: «جوایان دانشگاهی بودند که با قیام خود، رژیم منحوس پهلوی را به عقب‌نشاندند و دست مفتخواران را قطع نمودند.»(صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۹)

حضور در مبارزات انقلاب اسلامی، حضور در دفاع مقدس و تقدیم حدود ۲۵۰ شهید به انقلاب که عموماً شهدای نام‌آور و فرماندهان دفاع مقدس بودند، تسخیر لانه جاسوسی امریکا که امام (ره) از آن به عنوان انقلاب دوم یاد کرد، تشکیل جنبش عدالت‌خواهانه و مبارزه با فساد و تبعیض در کشور، دفاع از دستاوردهای انقلاب همچون انرژی هسته‌ای و … نمونه‌هایی‌اندک از خدمات متقابل دانشگاه به انقلاب اسلامی است.

۶- خدمات قابل توجهی از کارآمدی گفتمان انقلاب اسلامی، مسلماً مروهون دانشگاه‌هاست.

یکی از وجوه مهم کارآمدی گفتمان انقلاب اسلامی، رشد تولید علم در چند سال اخیر است که ماحصل تلاش شبانه‌روزی و وقفه‌ناپذیر دانشگاهیان است.

ایران در سال ۲۰۱۱میلادی رتبه اول جهانی در رشد تولید علم و رتبه نوزدهم جهانی از نظر کمیت تولید علم را به‌دست آورد و این در حالی است که چین، کره جنوبی، هند،اسپانیا، انگلستان و امریکا در رتبه‌های بعدی پس از ایران قرار دارند.

ضمن آنکه پیشرفت‌های چشم‌گیر در موارد پزشکی، هوا و فضا، هسته‌ای، سلول‌های بنیادین و … هر کدام، خود فضلی جداگانه به حساب می‌آیند.

۷- در بعد فرهنگی و مذهبی نیز، بر اساس آمار منتشر شده، دانشگاه‌ها محل برگزاری بزرگ‌ترین و با شکوه‌ترین نماز جماعت‌ها، اعتکاف دانشگاهیان، هیئت‌های دانشجویی است و در کنار آن فاخرترین برنامه‌های فرهنگی کشور در دانشگاه برگزار می‌شود.
بسیاری از جوانان دانشگاهیان است که در پایان‌سال تحصیلی به‌دلیل کمبود بودجه تحصیلی و کمبود امکانات دانشگاهیان در مقابل، علاقه و خدمات دانشگاه به انقلاب اسلامی قاصر است و کسانی که دم از تقابل و نزاع بین دانشگاه و انقلاب اسلامی می‌زنند، خواسته‌ی ناخواسته ظلم بزرگی را مرتکب می‌شوند.

صفحه ۸
چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۲
۱۹ ربیع‌الثانی۱۴۳۵ - شماره ۲۰۷۱۶

**دانشگاه در جبهه—۵۸**



### دانشجوی

### شهید

### عباس

## حصیبی

شهید عباس حصیبی در هفتم دیماه ۱۳۴۴، در خانواده‌ای متوسط و مذهبی پای به دنیا نهاد.

وی در مبارزات سالل ۵۷ شرکت فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ورود به انجمن‌های اسلامی مدارس و فعالیت در مساجد، به رشد و شکوفائی استعدادهای نهان خویش پرداخت.

پس از شروع تحصیلی در هفتم دیماه ۱۳۴۴، در خانواده‌ای نمی‌توانست در جبهه حضور بهم رساند و به این دلیل شروع به تبلیغ و پروراندن جسم خود در زمینه‌های نظامی کرد و برای حضور در جبهه آماده می‌شد. بدین منظور در سال ۶۱ در بسیج مسجد انصارالحسین(ع) مشغول فعالیت شد. وی برای اولین بار زمانیکه هنوز مشغول به تحصیل در دبیرستان بود به جبهه اعزام شد و پس از مدتی سالم به آغوش خانواده بازگشت.

عباس حصیبی در هنگام شهادت دانشجوی سال سوم مهندسی مکانیک دانشگاه تهران بود و پس از قبولی در دانشگاه در سال ۶۳ جایگاه دیگری برای فعالیت‌های فرهنگی پیدا کرد. او بسیج دانشگاه را نیز پایگاهی برای مقاومت و ایستادگی و سازندگی می‌دانست. سرتاچام‌وی در ۲۱ دی ۱۳۴۵، در منطقه عملیاتی شلمچه به فیض شهادت نائل آمد.

در بخش‌هایی از وصیت‌نامه دانشجوی شهید «عباس حصیبی» چنین آمده است:
«بنام او که خالق یکتا و منتهی‌الامال عارفان است. اوست که تنها قابل پرستش و حمد است. بنام محمد رسول(ص) رسول رسولان، سید بندگان و بنام علی(ع) این انسان کامل و به نام فاطمه(س) و بنام دوازده امام(ع)، این انسانهای برگزیده. از پدر و مادر بزرگوارم واقعاً عنذر می‌خواهم که در خلال زندگی جز آزار و اذیت برای آنها چیزی نداشتم. سخنی با شما دوستان عزیز و بزرگوارم: از همه آنها می‌خواهم مرا حلال نمائید. و سخنی با بسیج: اسم زیبا و ارزنده‌ای که باعث ساخته شدن افراد به اندازه‌ای که خودشان بخواهند می‌شود تنها جائی که بهترین درس‌ها را می‌توان گرفت.

سخنی با دانشگاه: پایگاه سازنده انقلاب که بعد از جنگ، مهم‌ترین مسأله انقلاب است. از دانشجویان می‌خواهم علاوه بر درس خواندن به مسائل جامعه و خودشان بی تفاوت نباشند و این مسائل را کمتر از درسشان بگیرند. و بدانید که دردهای جامعه و افراد را استاد مظهري بیان نموده، سخنان ایشان را به گوش جان بسازید.

سخنی با حزب الله: جامعه ما، انقلاب فرهنگی را هر لحظه و دقیقه باید در خود داشته باشد و لازمه اش تک تک افراد هستند و باید این گفته رسول‌الله(ص) را همیشه در ذهن داشته باشیم "أبی ما اخاف علی امتی الفقر و لکن اخاف علیهم سوء التدبیر".

**اشتباهی فاحش در اولین تجربه برگزاری کنکور دولت تدبیر**

## حمایت «جبهه پایداری» از «احمدی‌نژاد» ۱سال پیش از تأسیس!

<b>تولّد سیاسی احمدی‌ای ایران (از مشروطیت تاکنون)</b>
<b>منته</b> ۱۲
۱۲- <b>علت اصلی پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ۱۳۸۴ چه بود؟</b>
۱) <b>نظراتی بر مکررگاه و حمایت روشنفکران و هنرمندان</b>
۲) <b>حمایت نهادهای حکومتی، حمایت برخی‌های از احزاب اصلاح طلب</b>
۳) <b>حمایت جبهه پایداری، گروه آبادگران، مجاهدین انقلاب اسلامی</b>
۴) <b>استانهای شمالی، ایولگران، مکررگاه و شکاف در جبهه اصلاح طلبان</b>

عصر روز چهارشنبه ۲۳ بهمن ماه ۹۲، داوطلبان تحصیلات تکمیلی در رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل، با سولاتی جالب و البته تعجب برانگیز در دفترچه پرسشنامه خود مواجه شدند! جریان از این قرار بود که با گذشت تنها چندماه از پایان کار دولت تحت امر محمود احمدی نژاد، ۳ سئوال از سرفصل «تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از مشروطه تاکنون"، مستقیماً در رابطه با عملکرد دولت‌های نهم و دهم پرسیده شده بود!

این درحالی‌است که طی کنکورهای سالیان گذشته، طرح چنین سولاتی با درنظرگیری فاصله زمانی چندساله از اتمام فعالیت دولت‌ها همراه بوده و تاکنون اختصاص ۳ سوال از پرسش‌های کنکور به دولتی که کمتر از یکسال از واگذاری مسئولیتش گذشته، سابقه نداشته است! اما ماجرا به همین مورد ختم نمی‌شود چراکه فحوای عجیب یکی از این سه سئوال و پاسخ گزینه صحیح آن، حواشی زیادی را با خود به همراه داشته است.

در سئوال ۱۲۵ کنکور ارشد رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل چنین آمده است: «علت اصلی پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۱۳۸۴ چه بود؟»

در ذیل این سئوال نیز چهارگزینه که به ترتیب عبارتند از: الف) شعارهای مردم‌گرایانه و حمایت روشنفکران و هنرمندان /ب) حمایت نهادهای حکومتی و حمایت بخش‌هایی از احزاب اصلاح‌طلب /ج) حمایت جبهه پایداری، گروه آبادگران، مجاهدین انقلاب اسلامی و مراجع تقلید /د)سیاست‌های انتخاباتی اصولگرایان، شعارهای مردم‌گرایانه و شکاف در جبهه اصلاح‌طلبان. مندرج بوده است.

با مختصر تأملی بر گزینه‌های چهارگانه می‌شود دریافت که "گزینه د" می‌تواند به‌عنوان نزدیک ترین جواب و پاسخ صحیح به پرسش مطرح‌شده باشد.

اما رئیس سازمان سنجش و آموزش کشور، در مصاحبهی مورخه ۲۶ بهمن ماه خود با خبرگزاری مهر، پاسخ سؤال فوق را "گزینه ج" و معنی «حمایت جبهه پایداری، گروه آبادگران، مجاهدین انقلاب اسلامی و مراجع تقلید» اعلام کرده است!

این درحالی‌است که اولاً، برهه تأسیس جبهه پایداری انقلاب اسلامی به دوره انتخابات مجلس نهم و اواخر سال ۱۳۹۰ بازمی‌گردد. حال آنکه چگونه ممکن است «جبهه پایداری» ۶ سال پیش از آغاز به‌کار رسمی خود، از «محمود احمدی نژاد» در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ حمایت کرده باشد، سوالی است که می‌باید از طراحان سئوال و دست‌اندرکاران آموزش عالی دولت اعتبارت پرسید! در ثانی، طراحان سئوال دقیقاً مشخص ننموده‌اند که منظورشان از گنجاندن عبارت "مجاهدین انقلاب اسلامی" در میان گزینه صحیح چیست؟

با این‌حال اگر مقصود طراحان سئوال از "مجاهدین انقلاب اسلامی" اشاره به "سازمان منحل مجاهدین انقلاب" بوده که ناقضه پیداست این تشکل غیرقانونی در مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ از مصطفی معین کاندیدای اصلاح‌طلبان و در مرحله دوم دوره نهم از اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت کرد.